

گزارش «جوان» از نشست مشترک هم‌افزایی سازمان بسیج مستضعفین و وزارت آموزش و پرورش

تعلیم و تربیت پایدار با بسیج

رئیس سازمان بسیج: امروز، تعامل و هم‌افزایی میان بسیج و آموزش و پرورش در نقطه‌ای قرار دارد که پیش از این سابقه نداشته‌است

در روزهایی که نظام تعلیم و تربیت با انبوهی از چالش‌های ساختاری و تربیتی روبه‌رو است، نشستی میان وزارت آموزش و پرورش و سازمان بسیج مستضعفین برگزار شد که فراتر از یک جلسه رسمی و اداری، تلاش کرد تا نقشه‌ای جدید از همکاری‌های تربیتی ترسیم کند.

■ ■ ■

وزارت آموزش و پرورش سال‌هاست با کمبود منابع انسانی، ضعف زیرساخت‌های فرهنگی و محدودیت در اجرای برنامه‌های تربیتی مواجه است، این در حالی است که بسیج، با شبکه گسترده‌ای از دانش آموزان، فرهنگیان، مساجد، محلات و مجموعه‌های اردویی و فرهنگی، ظرفیت‌هایی در اختیار دارد، می‌تواند خلاهای نظام آموزشی را در بسیاری از حوزه‌ها پر کند. همین هم‌پوشانی مأموریت‌هاست که امروز این دو نهاد را به جایی رسانده تا بیش از گذشته، درباره هم‌افزایی سخن بگویند و جلسه بگذارند. هم‌افزایی‌ای که اگر از سطح شعار و تفاهم خارج شود، می‌تواند بخشی از سنگینی بار تعلیم و تربیت را از دوش وزارتخانه بردارد و پیوند میان مدرسه و نهادهای فرهنگی را تقویت کند. در این نشست، نهادهایی کنار هم نشستند، که هر دو، خود را متولی تربیت نسل آینده می‌دانند، یکی با مسئولیت رسمی و قانونی، دیگری با شبکه‌ای اجتماعی و داوطلبانه که در لایه‌های مختلف جامعه حضور دارد. البته که، طی سال‌های گذشته نیز، نمونه‌هایی مانند بسیج دانش‌آموزی، برنامه‌های راهیان نور، طرح‌های مدرسه‌محور و فعالیت‌های فرهنگی و مهارتی نشان داده که وقتی آموزش و پرورش از ظرفیت‌های بسیج استفاده می‌کند، نتیجه می‌تواند عینی‌تر و اثر بخش‌تر از بسیاری از برنامه‌های صرف‌اداری باشد. امروز نیز همین دو نهاد، با تکیه بر تجربه‌های گذشته‌شان تلاش دارند به مدلی پایدار برسند، مدلی که آموزش رسمی و کار تربیتی غیررسمی را کنار هم نباشند و نیازهای جدید نسل نوجوان را با رویکردی مشترک پاسخ دهد.

■ **تلاش برای نقش آفرینی همدندتر**

صبح روز گذشته، نشست مشترک هم‌افزایی سازمان بسیج مستضعفین و وزارت آموزش و پرورش، با حضور سردار غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین و علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش و جمعی از معاونان و مسئولان این دو مجموعه، به میزبانی بسیج برگزار شد.

سردار سلیمانی در این نشست سخنانش را با مروری بر سطح همکاری‌های موجود آغاز کرد: «امروز، تعامل و هم‌افزایی میان بسیج و آموزش و پرورش در نقطه‌ای قرار دارد که پیش از این سابقه نداشته‌است. این تعامل و همکاری در دوره مسئولیت آقای کاظمی در وزارت آموزش و پرورش، مستحکم‌تر از گذشته شده‌است.»

او با تأکید بر اینکه مسئولیت اصلی تعلیم و تربیت همچنان بر دوش وزارتخانه است، توضیح داد: «بسیج نقش خود را در امتداد مأموریت‌های آموزش و پرورش تعریف کرده و در حوزه‌های تربیتی و آموزشی آماده پشتیبانی کامل است.» رئیس بسیج مستضعفین سپس از گستره نهادهای زیرمجموعه بسیج یاد کرد: «بسیج دانش‌آموزی، بسیج فرهنگیان، بسیج مساجد و محلات، سازمان اردویی، گردشگری، راهیان نور و راهیان پیشرفت، سازمان مدارس الگوی صالح، معاونت تعلیم و تربیت، معاونت فرهنگی و معاونت علمی و پژوهشی، از جمله بخش‌های سازمان بسیج مستضعفین هستند که در حوزه تعلیم و تربیت نوجوانان و جوانان، دارای نقش و مسئولیت هستند.» فهرستی که نشان می‌دهد حجم فعالیت‌های تربیتی در ساختار بسیج فراتر از تصور عموم است.

او با اشاره به این ظرفیت‌ها گفت: «وزارت آموزش و پرورش می‌تواند بسیاری از نیازهای تربیتی و آموزشی خود را از طریق این شبکه دنبال کند. بسیج دارای ظرفیت‌های علمی، آموزشی و تربیتی بسیار بالایی است و ما این آمادگی را داریم که تمام این ظرفیت‌ها را

در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار دهیم.» سردار سلیمانی همچنین اعلام کرد که سازمان بسیج دانش‌آموزی رویکردهای تحولی خود را به زودی اجرایی خواهد کرد، ضمن آنکه رویکردهای تحولی بسیج فرهنگیان نیز در هماهنگی با وزارت آموزش و پرورش، توسعه پیدا خواهند کرد.

■ **گنجینه‌ای فرهنگی و پشتوانه اعتقادی**

در ادامه، نوبت به علیرضا کاظمی رسید که صحبت کرد. او سخنانش را با نگاه اعتقادی خود به بسیج آغاز کرد: «بسیج معجزه امام راحل و انقلاب اسلامی است و باید قدر آن را به معنای واقعی کلمه دانست.» وزیر آموزش و پرورش بسیج را «گنجینه‌ای ارزشمند» و «میرث رباتی» جمهوری اسلامی در مواجهه با چالش‌های بیرونی دانست. او اظهار داشت که بسیج نه‌تنها یک سازمان، بلکه یک «شبکه فرهنگی عظیم» است که مأموریت‌های گسترده‌ای در جامعه دارد.

کاظمی مهم‌ترین نقطه تماس دو نهاد را «بسیج دانش‌آموزی» معرفی کرد، شبکه‌ای که ریشه مستقیم آن مدارس دارد و می‌تواند به تقویت هویت دانش‌آموزان کمک کند: «برای تقویت مدارس، هیچ ظرفیتی مؤثر تر و گسترده‌تر از ظرفیت بسیج وجود ندارد.»



■ **هم‌افزایی فراتر از شعار**

در بخش‌های دیگری از نشست، معاونان و کارشناسان دو دستگاه نیز به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند و صحبت کردند. صحبت‌هایی که نشان می‌داد دغدغه مشترک، حرکت به‌سوی یک مدل همکاری پایدار است، مدلی که خارج از مراسم‌ها، اردوها یا مناسبت‌های مقطعی عمل کند و در برنامه‌ریزی تربیتی کشور جای ثابتی داشته باشد.

برخی‌شان معتقد بودند در شرایط پیچیده آموزشی امروز، تنها یک وزارت‌خانه نمی‌تواند بار سنگین تربیت نسل جوان را به‌تنهایی بر دوش بکشد، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند هویت‌سازی، پرورش مهارت‌های اجتماعی، فرهنگ عمومی و تجربه‌های میدانی، به گفته آنها، نهادهایی مانند بسیج فرهنگیان، بسیج دانش‌آموزی و سپاه پاسداران به دلیل حضور گسترده در جامعه، می‌توانند با ظرفیتی که دارند، بخشی از این بار را بردارند. این نشست اگرچه ظاهر رسمی داشت، اما محتوای آن نشان می‌داد که دو نهاد به دنبال رابطهای فراتر از یک همکاری اداری هستند، رابطهای که می‌تواند در ساختار تعلیم و تربیت کشور نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

چهار چشمی مواظب آتش افروزان جنگلی باشید!

«جوان» در گزارشی ضمن بررسی وضعیت آتش‌سوزی‌های اخیر در کشور با سخنگوی جمعیت هلال احمر درباره اقدامات انجام شده با این آتش‌سوزی‌ها گفت‌وگو کرده‌است

سازمان بسیج مستضعفین

مناسب و لباس مناسب که افراد باید حتماً به این مسئله توجه داشته‌باشند و اگر آفر است در کنار نیروهای امدادی تخصصی کمک کنند باید حتماً این ملزومات را به شکل تخصصی داشته باشند یا حداقل اینکه در کنار یک نیروی امدادگر تخصصی جمعیت هلال احمر یا دوستان در آتش‌نشانی اطلاعات لازم را کسب کنند و نحوه بر خوردشان با حریق را به شکل علمی هم آموزش ببینند و هم بتوانند انجام دهند.

از امکانات نیروهای نظامی جقدر در این آتش‌سوزی استفاده شده‌بود؟

همه نیروهای نظامی و انتظامی کمک کردند. یلوشین‌های سپاه خیلی کمک‌کننده بود با توجه به اینکه می‌تواند حجم بسیار بالای آب در یک سورت پرواز آتش نریز کند خیلی می‌توانست کمک کند، هم به جهت کاهش حریق و همینطور جلوگیری از گسترش حریق در مناطقی که آمادگی یا استعداد حریق را دارند.

حضور هواپیماهای ترکیه با در خواست که بود و جقدر تأثیر داشت؟
من اطلاعاتی ندارم و حداقل هماهنگی ما نبود.
اگر نیاز بود خود جمعیت هلال احمر می‌توانست این درخواست را بدهد؟
بله البته در این عملیات فقط سه تا از بالگردهای جمعیت عمل کرد و اگر لازم بود می‌توانست بالگردهای دیگر ما نیز مشارکت داشته باشند.
■ ■ ■

همانطور که مجتبی خالدي سخنگوی جمعیت هلال احمر مورد تأکید قرار داده آتش‌سوزی الیت آخرین آتش‌سوزی جنگلی در این منطقه شرقی نیز دچار آتش شد که این آتش سوزی نیز با تلاش یگان حفاظت محیط‌زیست، مردم و جوامع محلی، آتش‌سوزی جنگل‌های این منطقه نیز مهار شد. اکنون استاندار، مازندران در خصوص تجهیز جنگل‌های هیرکانی با اشاره به اینکه یک پایگاه اطفای حریق و دو بالگرد به منطقه جنگل‌های هیرکانی اختصاص می‌یابد، درباره تلاش مردم برای مهار این آتش‌سوزی خاطر نشان کرده‌است که مردم منطقه در کمک برای مهار آتش‌سوزی سنگ‌تمام گذاشتند و قدران آنها هستیم.

دردسلک آفتاب



تئوریزاسیون اشراف‌زادگی!

آقای محمود سریع‌القلم اخیراً در تازه‌ترین اظهارات خود، در گفت‌وگویی فرموده‌اند که «ریشه بسیاری از مشکلات ما حاکم بودن طبقه ضعیف اقتصادی در کشور است. نباید اجازه داد کسی از طبقه ضعیف وزیر خارجه یا وزیر اقتصاد کشور شود؛ کسانی که مسئولیت می‌گیرند باید حداقل از طبقه متوسط اقتصادی باشند. طبقه ضعیف به‌دنبال رفع محرومیت‌های گذشته خودشان هستند نه شکوه ایران. سیاست یک دپتا و اطلاعات آموختنی نیست، بلکه تبجر و عقلانیت مغزی است» تصویری ساختگی و نیم‌خا از شایستگی موروثی حکمرانی؛ تصویری که در آن، گویا سیاست نه دانشی قابل آموختن که «فربزه‌ای اشرافی» است؛ و عقلانیت، نه حاصل تجربه و تربیت و مطالعه، بلکه موهبتی ژنتیکی و موروثی است که فقط در نازپرورده‌های سرمایه و اولاد و انبای ثروتمندان جوانه می‌زند. او با صراحتی کم‌سابقه می‌گوید طبقه ضعیف، اگر به قدرت برسد، به‌جای رعایت مصالح عمومی به جبران کاستی‌های شخصی روی می‌آورد و چون در خانواده‌های کم‌برخوردار پرورش یافته، فاقد آن «عقلانیت مغزی» لازم برای سیاست است. انگار فقر نوعی نقص مادرزادی است و ثروت سند خدادادی تا کاتوت، بیشتر هم محسن رانی با اشاره به کورتکس مغزی ضخیم غربی‌ها، آنان را ذاتاً عاقل‌تر از دیگر ملل دانسته بود. این اظهارات پوچ و سخیف، نه بدیع است و نه عمیق؛ بلکه بازتابی کهرمق و مبتدی از همان نظریه‌های پوسیده و منسوخ‌ی است که قرن‌ها پیش، نظریه‌پردازان و مدافعان حکومت اشراف در غرب برای حفظ امتیازات خود می‌ساختند. کافی است کمی در تاریخ اندیشه غرب ورق بزنیم تا متوجه شویم این سخنان دقیقاً از چه ریشه‌هایی آب می‌خورد. آنجا که ارسطو، با همه غمگشتش، برای طبقه ملاک نقشی ویژه در مهار جامعه قائل بود؛ آنجا که جیمز هرینگتون، با صراحت بی‌پروا، مالکیت زمین را شرط مشارکت در سیاست می‌دانست؛ آنجا که مونته‌سکیو از طبیعت اشراف و مالکان حرف می‌زد؛ آنجا که ادموند بورک، طبقه فقیر را توده‌ای احساساتی و غیرقابل اعتماد تصویر می‌کرد؛ یا آنجا که جوزف دومستر می‌پنداشت نظم اجتماعی فقط با سلسله‌مراتب اشرافی حفظ می‌شود. اینها نام‌هایی هستند که آقای سریع‌القلم بی‌آنکه به تاریخ زوال و انقباض سخنان‌شان توجه کند، از همان سطرها الهام می‌گیرد و آن را در قالبی جدید برای توجیه اشراف‌سالاری بازتولید می‌کند.

مسئله اما این است که جهان امروز، پس از تجربه تلخ قرون طولانی حاکمیت مستکبران، فهمیده‌است که «فضیلت سیاسی» نه در حساب بانکی و خانه‌های لوکس، که بر اثر تجربه، آگاهی و صداقت متولد می‌شود. این تصور که طبقه فرودست و مستضعف، اگر به نخبه برسد، حتماً برای جبران محرومیت‌های گذشته به بیراهه می‌رود، چیزی نیست جز بدبینی ساختاری‌ای که ریشه در ذهنیت استعلایی اشراف دارد؛ ذهنیتی که فقر را بیماری می‌دانست و ثروت را فضیلت. اما تجربه بشر نشان از همدانست که فساد، خودکامی، خری و نخبه‌چیان و تعارض منافع هیچ‌گاه مختص طبقه فرودست نبوده‌است؛ اتفاقاً بسیاری از فجایع سیاست، از دستگاه‌های اشرافی و صاحبان ثروت‌های بی‌حساب که آقای سریع‌القلم شیفته آن است سرآورده است.

به عقیده همفکران سیاسی آقای سریع‌القلم، مستضعفان و پاره‌نگان باید روزگار تیره بگذرانند و رعیت باشند و نان جو بارانو بشکنند و اشراف‌افرادگان و متمولان لطف همایونی نموده و بر کرده آنها سوار باشند و حکومت کنند؛ اینکه کسی در خانه‌ای لوکس بزرگ شده باشد، نه دلیلی بر عقلانیت اوست و نه ضمانتی برای حکمرانی صحیح او. تاریخ سیاسی جهان و خصوصاً ایران، سرشار از رجال و حاکمانی است که از دل طبقه مستضعف و کم‌ثروت جامعه برخاسته‌اند و به‌سبب فهم ملموس از درد مردم، در تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌ها انسانی‌تر، عاقل‌تر و ثبات‌تر عمل کرده‌اند. مشکل سخن سریع‌القلم تنها توهین به طبقه مستضعف نیست؛ مشکل، باز تولید یک دروغ وقیحانه تاریخی است؛ اینکه ثروت، فی‌ذاته عقل می‌آورد. در حالی که اگر فقر بود سرمایه ضامن عقل باشد، تاریخ اروپا و امریکا باید امروز سراسر باغی سرشار از عقلانیت و خردمندی می‌بود، نه گورستانی از جنگ‌ها، استعمارها، تبعیض‌ها و تصمیم‌های فاجعه‌بار که محصول تصمیمات اشرافی بود. اگر «عقلانیت مغزی» امری خدادادی و وابسته به تولد و طبقه‌خانوادگی باشد، پس دیگر چرا آقای سریع‌القلم به خود زحمت داده و سال‌ها به تحصیل و مطالعه سیاست در دانشگاه‌های امریکایی مشغول شده‌اند؛ و چرا دهه‌هاست که در دانشگاه‌ها درس می‌کند و از آموزش و پژوهش سخن می‌گوید؟ اگر سیاست آموختنی نیست و غریزه‌ای خانوادگی است، پس تلاش برای تربیت نخبگان سیاسی چه معنایی دارد؟

این سخنان، در نهایت، تلاشی است برای القای این تصور که مردم باید در برابر طبقه‌ای خاص دست به سینه بایستند و سرنوشت سیاسی خود را به آنان بسپارند؛ طبقه‌ای که گویا به‌طور ذاتی برتر است و «عقلانیت» را از سایر مار با خود آورده‌است، اما جامعه امروز، چه در ایران و چه در جهان، دیگر زیر بار این توهین‌های اشراف‌پرو نمی‌رود. آقای سریع‌القلم، دوران رضاخانی و خان‌پروری و سلطه بر رعیت مدت‌هاست که گذشته.

اراده خاوندان این است که مستضعفان حاکمان و وارثان زمین باشند و بر اغنیا و اشراف متکبر حکمرانی کنند. اراده‌ای بر اراده او غالب نیست و اوست که حامی مستضعفان است.

قضای



۸۰هزار نفر در یک‌سال گذشته مشمول عفو شدند

طی ۱۲ ماه گذشته مجموعاً ۸۰ هزار نفر در کشور مشمول عفو قرار گرفتند.
حجت‌الاسلام علی مظفری، معاون قضایی قوهقضائیه صبح امروز اعلام کرد: طی ۱۲ ماه گذشته در مجموع نزدیک به ۸۰ هزار نفر در کشور مشمول عفو شدند. وی با اشاره به عملکرد معاونت قضایی از آبان ۱۴۰۳ تا آبان ۱۴۰۴ گفت: در این بازه زمانی، در حوزه معاونت قضایی ۲هزارو ۲۱۸ پرونده در دست بررسی بود که اکنون تعداد پرونده‌های باقی‌مانده به ۴۲ هزار رسیده‌است. به گفته مظفری، این پرونده‌ها شامل موضوعات مختلفی از جمله قصاص، عفو، سلب حیات و قطعیت احکام است. معاون قضایی قوه قضائیه تأکید کرد اداره کل عفو و بخشودگی یکی از مهم‌ترین بخش‌های این مجموعه محسوب می‌شود و در مجموع طی یک سال گذشته، حدود ۸۰ هزار نفر تحت عفو قرار گرفته‌اند.